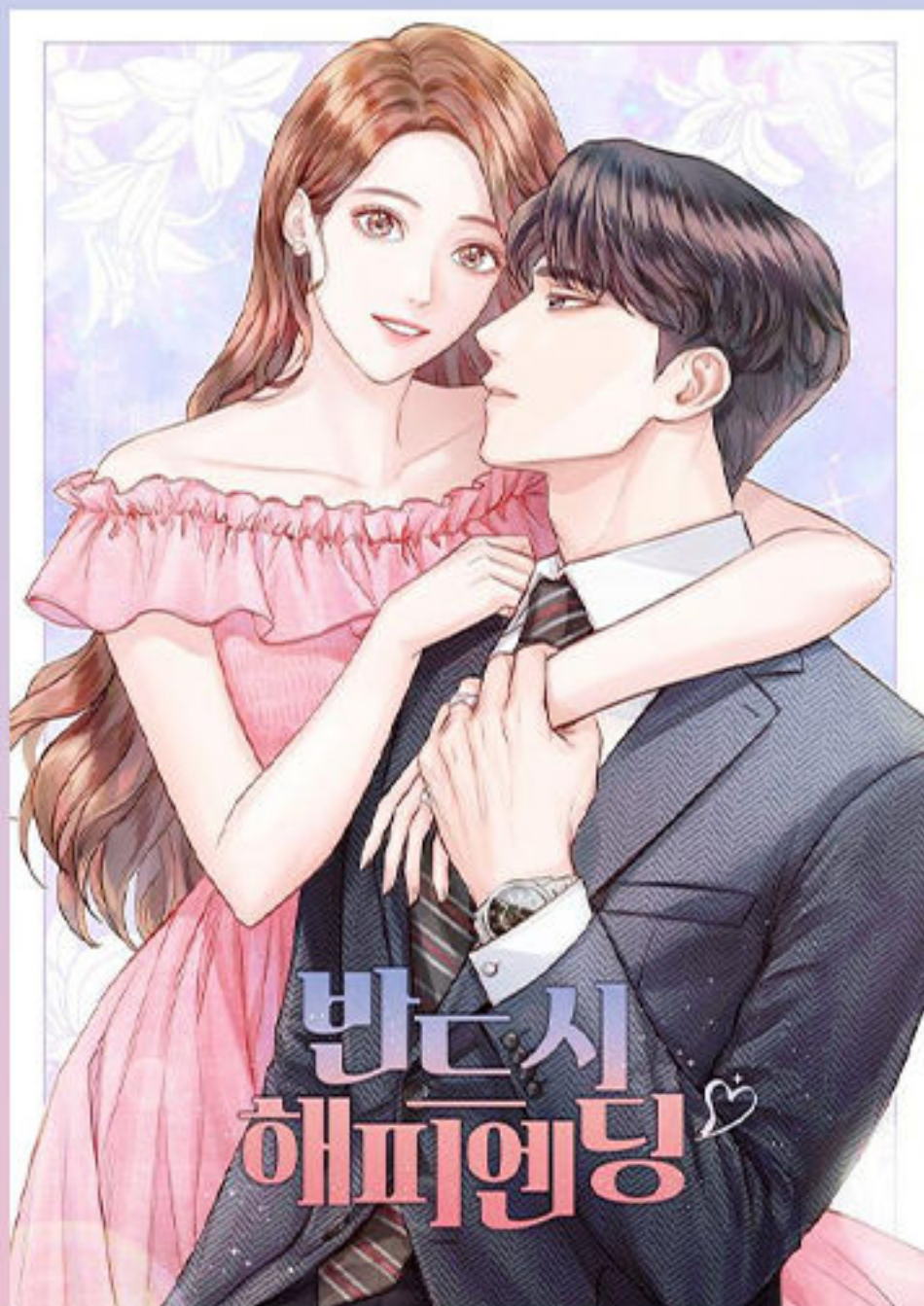




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Powker
Hell
Robin

مترجم:

کلینر:

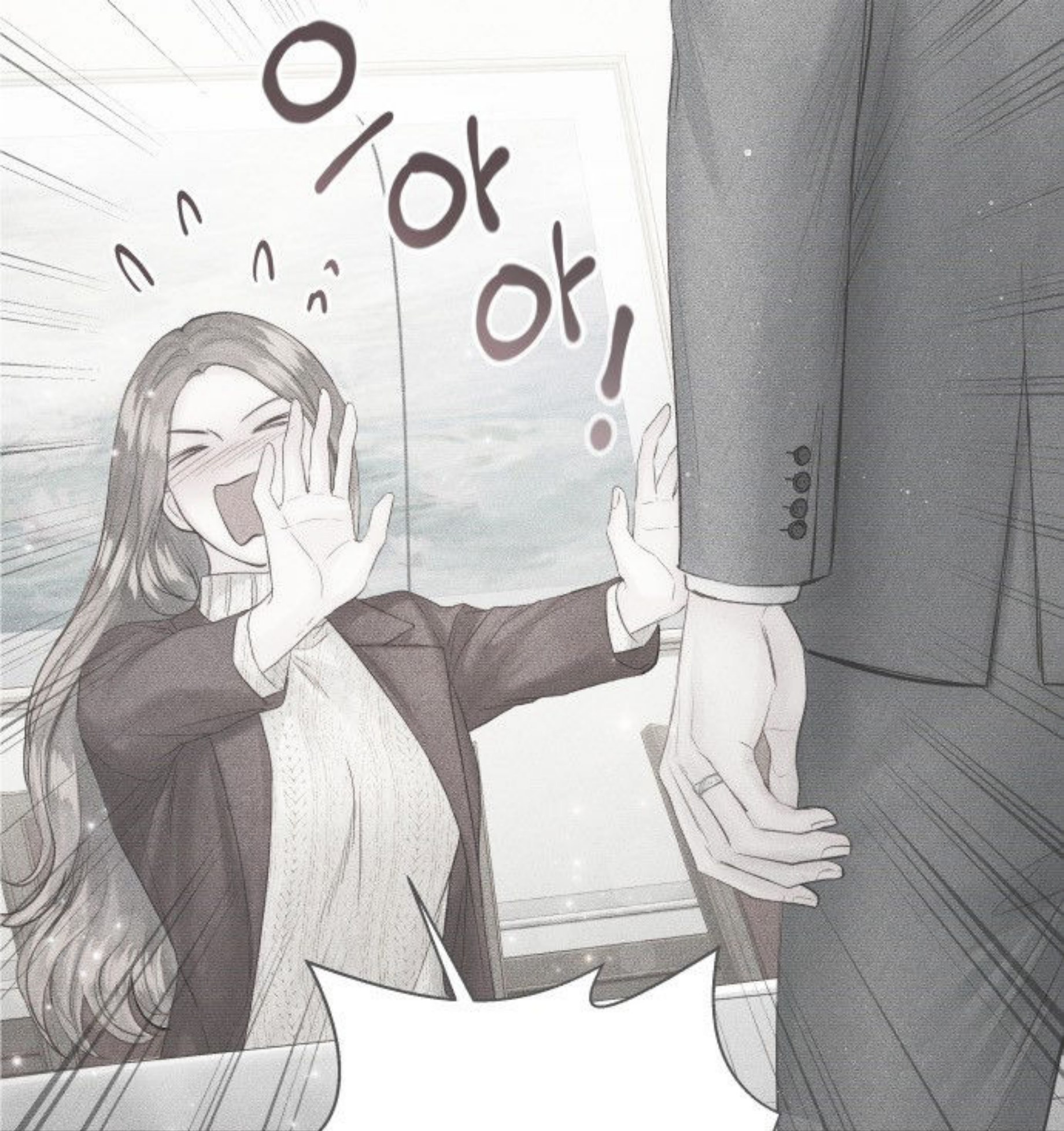
تایپیست:





آه، چه حیف!
اون فقط می خواست
صورتمو پاک کنه ...

10%



هی، ترمز بگیر!
داری پیکار می کنی؟!

حتماً فکر کرده
یه تخته ام کمه.





دوستای
صمیمیت تو مدرسه
سو جی



و هی جین
سونبه ان؟!!

یه مکالمه
عادی...



اوهوم،
سو جي نزديڪترين
دوستمه.

ولي آدمای پيشتری
رو هم تو مدرسه
می شناسم.



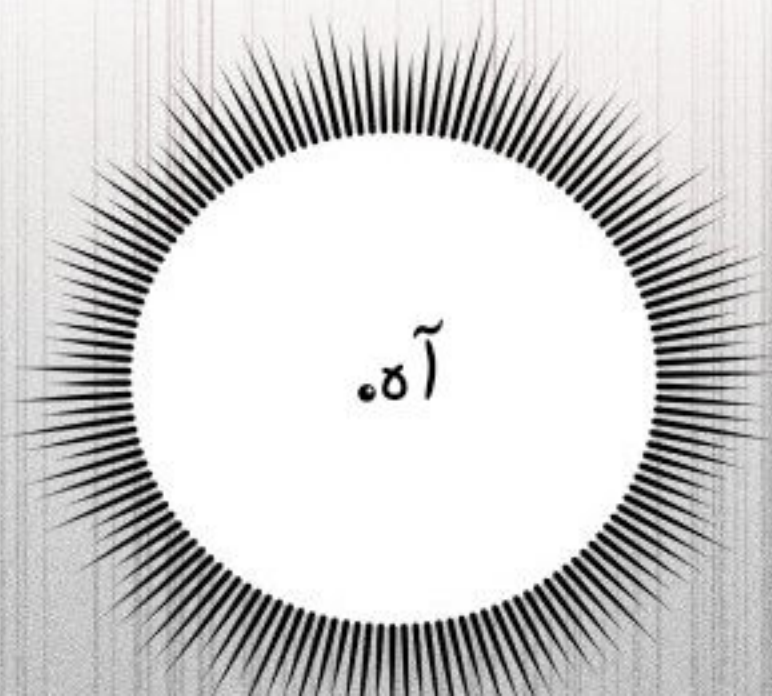
هی جین سونبه هم
مثل من ارشده برای همین
اکثر اوقات با هم کار می کنیم.
ناهارمون هم باهم
می خوریم.



رئیس شرکت جی
رو می شناسی؟



بزار ببینم... مطمئن
نیستم که من رو دوست
نزدیکش می دونه یا نه.



اون بچه در قلبش
رو به ندرت برای کسی
باز می کنه...



بعضی وقت ها
با پدر مادرش هم
اینجوریه.

اون نفرت و
بیزاریش رو هم

نشون نمی ده...



اون با چیزایی
که دوست داره،
خلوت می کنه

اون دوستای
زیادی داره،

ولی ظاهراً در
قلبش رو برای ه
کی باز نمی کنه.

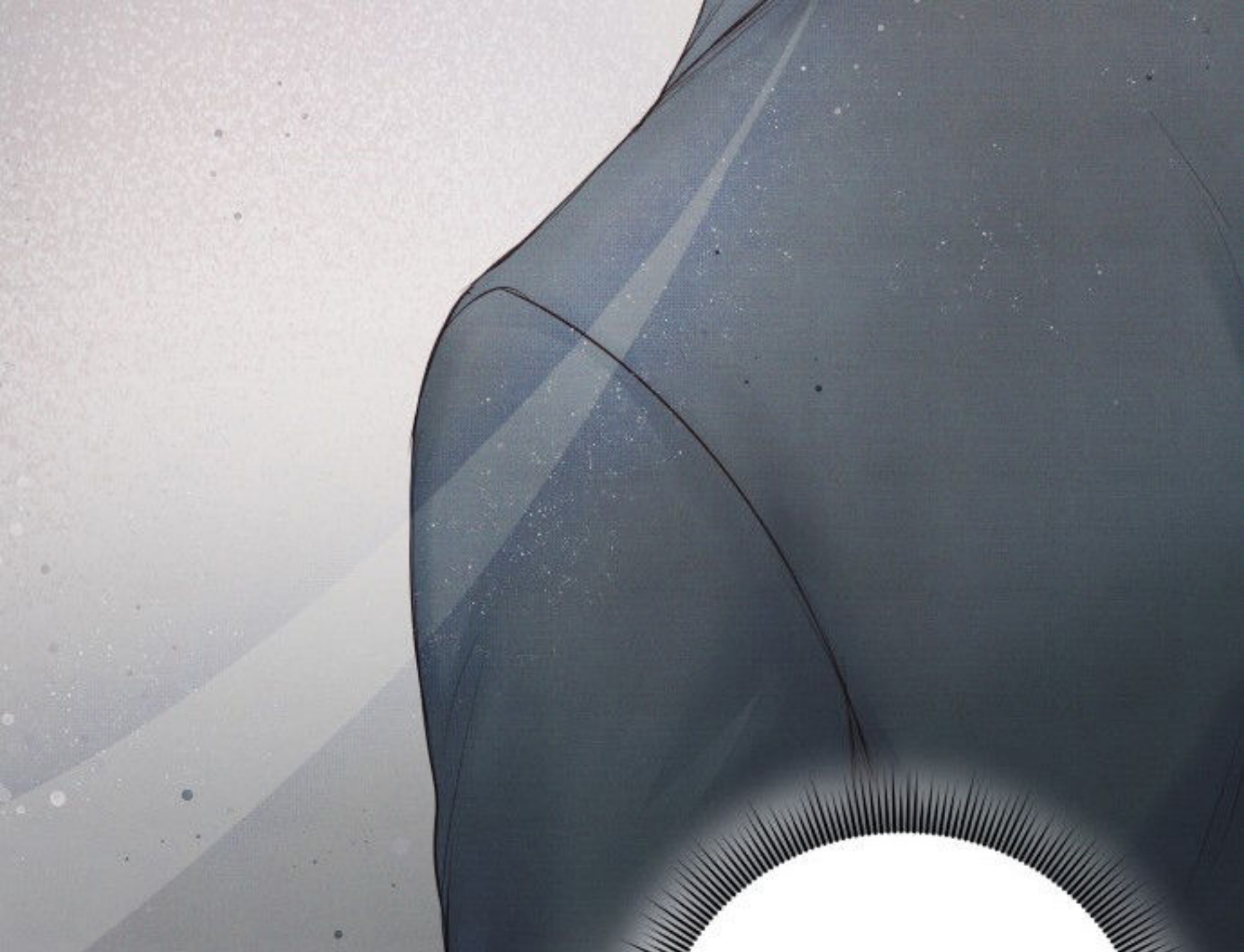


فک می کنه
همچین آدمی بودن،
سخته.

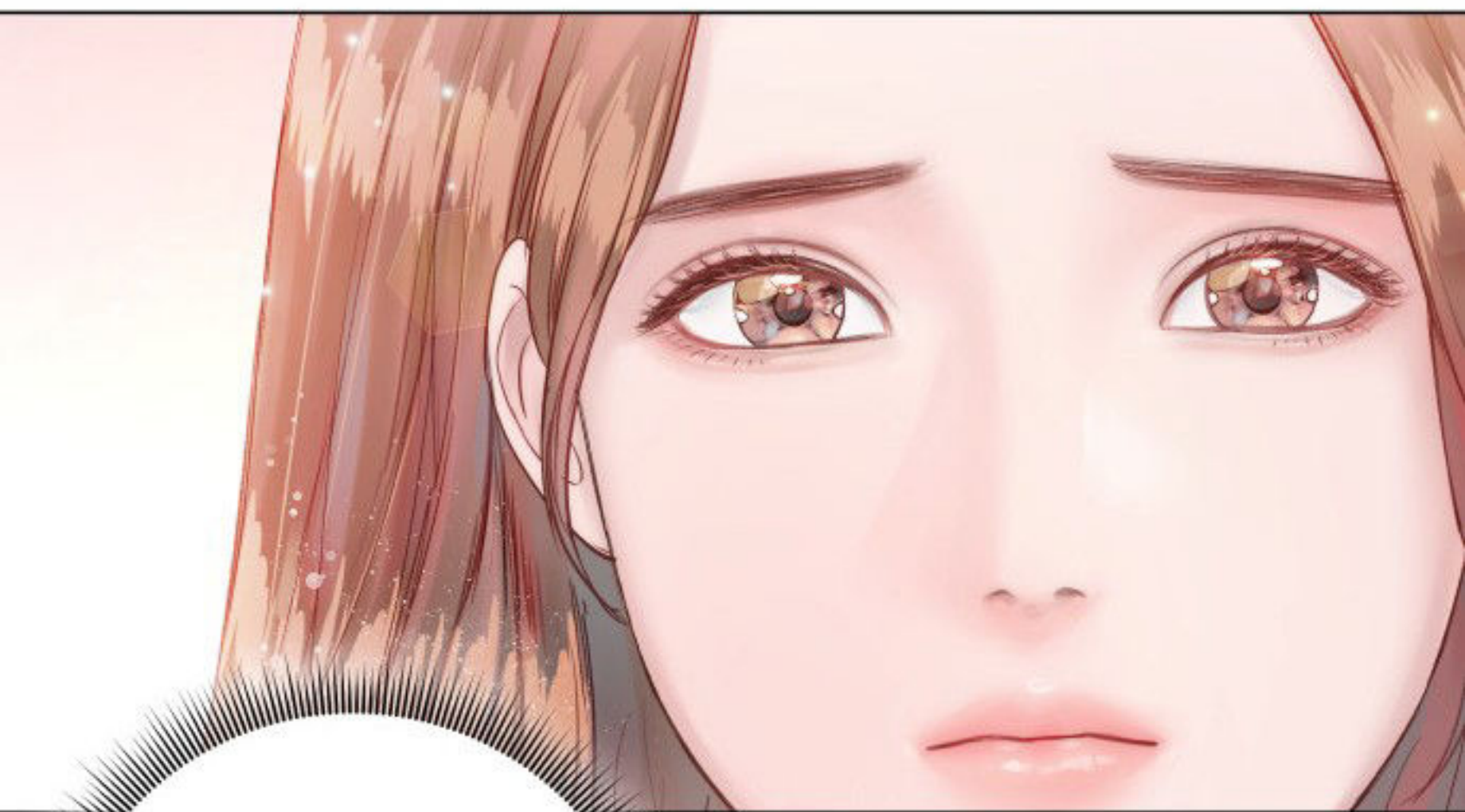
پولک: یعنی کی چیزی یا اتفاقی
باعث شده احساس رو بروز نده

چریان احساسش
پاید ی چایی گیر
کرده باشن.





اون په طرز
وحشتناکی سرده.



ای کاش سونپه
خوشحال تر بود.

یه روزی،
امیدوارم...





تو خونه هم يه وعده
با هم غذا بخوريم





باشه.



반드시
해피엔딩♡

각색 불사 그림 재림
원작 플아다



ممنون

که رسوندیم!!!

و همینطور
بابت صبحانه هم...
خیلی مچکرم!



کی میای خونه؟





احتمالاً دیر میام.

اگه هرچی که
تو برنامه ست رو
تموم کنم،



فردا رو می تونم نرم.

خپ، ممکنه که
پتونم...

پاهات تو
خونه په وعده رو
غذا پخوړم.





همونطور
که می خواهی.

هی یون وو !!

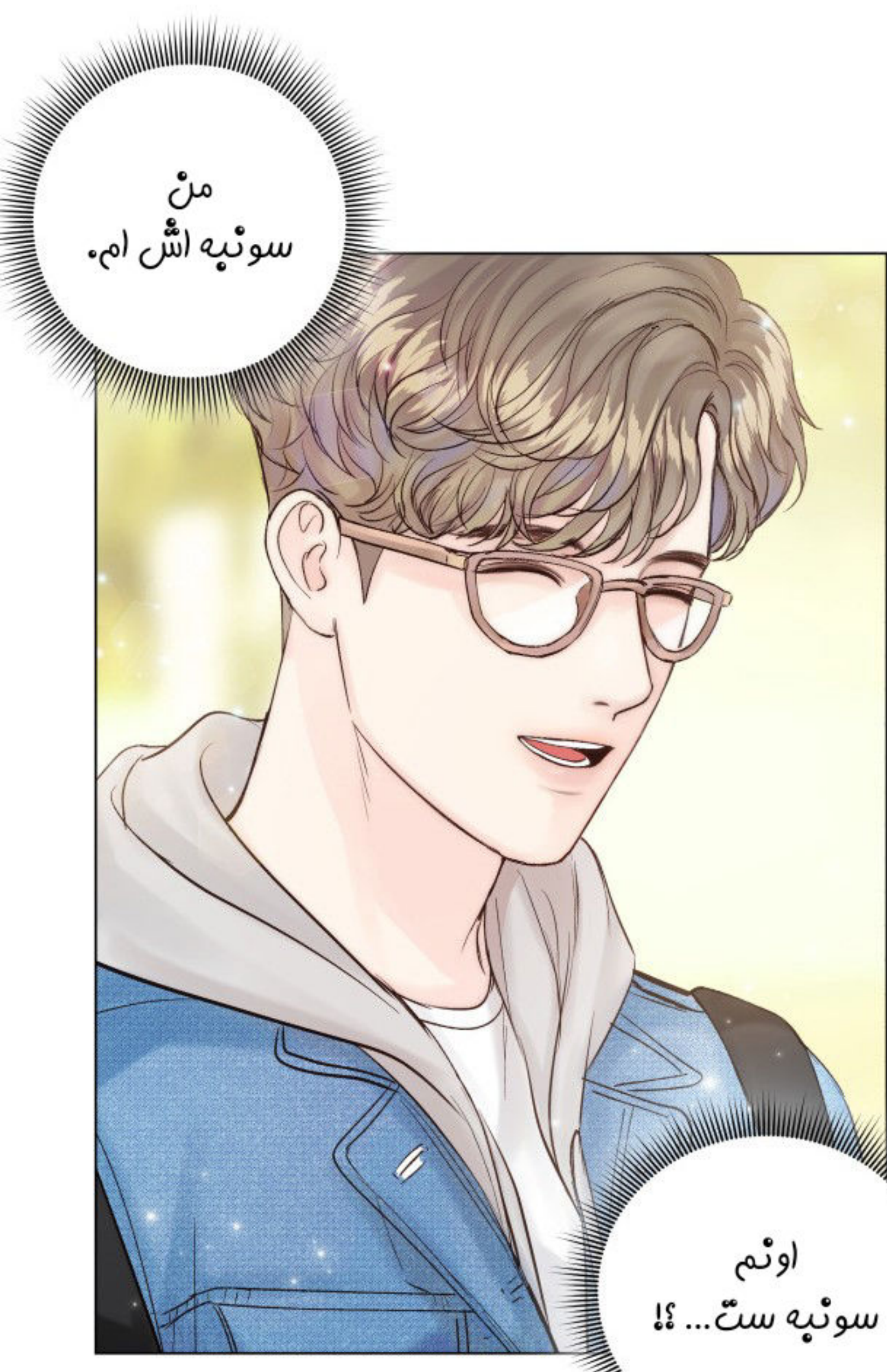


لی یون وو !



سونبه !





رومعه !

آه !

صبح بخیر.



من شین هی جین،
دستیار معلم که تو یه
کلاس با یون وو ام.



شیں ہی...



شیں ہی چین؟!

شین ہی چین...





واقعاً یہ پسرہ؟!

من لیستِ همه
دانش آموزای کلاس
رو در آوردم.

دختر

شین هی چین

و همه شون
زن بودن، نبودن؟!

چرا شین
هی چین پسره؟





اسم من
کانگ سون جه ست.



اون کارمند رو
تیکه پاره می کنم!!!



اے

پوکر: همونی که اطلاعات رو گیر آورده

یون وو با
من خیلی حرف
می زنه.





اون به تو به عنوان
یه عضو عادی خانواده
اشاره نکرده بود.

نیازی نیست
همچین چیزی بگی.

تف بهت! می خواي
بگی یون وو په من
اهمیت نمی ده ؟

اوه ! اون يه چيزاي
ريزه ميزه اي دربارہ
تو بهم گفت.

رندان هاي تيز، آماده قتل هستند*

파지파지



شين.هي.جين.

آدماپی مثل تو
تو زندگی یون ۹۹،



فقط یہ مشق
سوئیہ معمولی هستن،
می دونی داداش.

انتظار نداشتم
همو اینجا ببینیم.



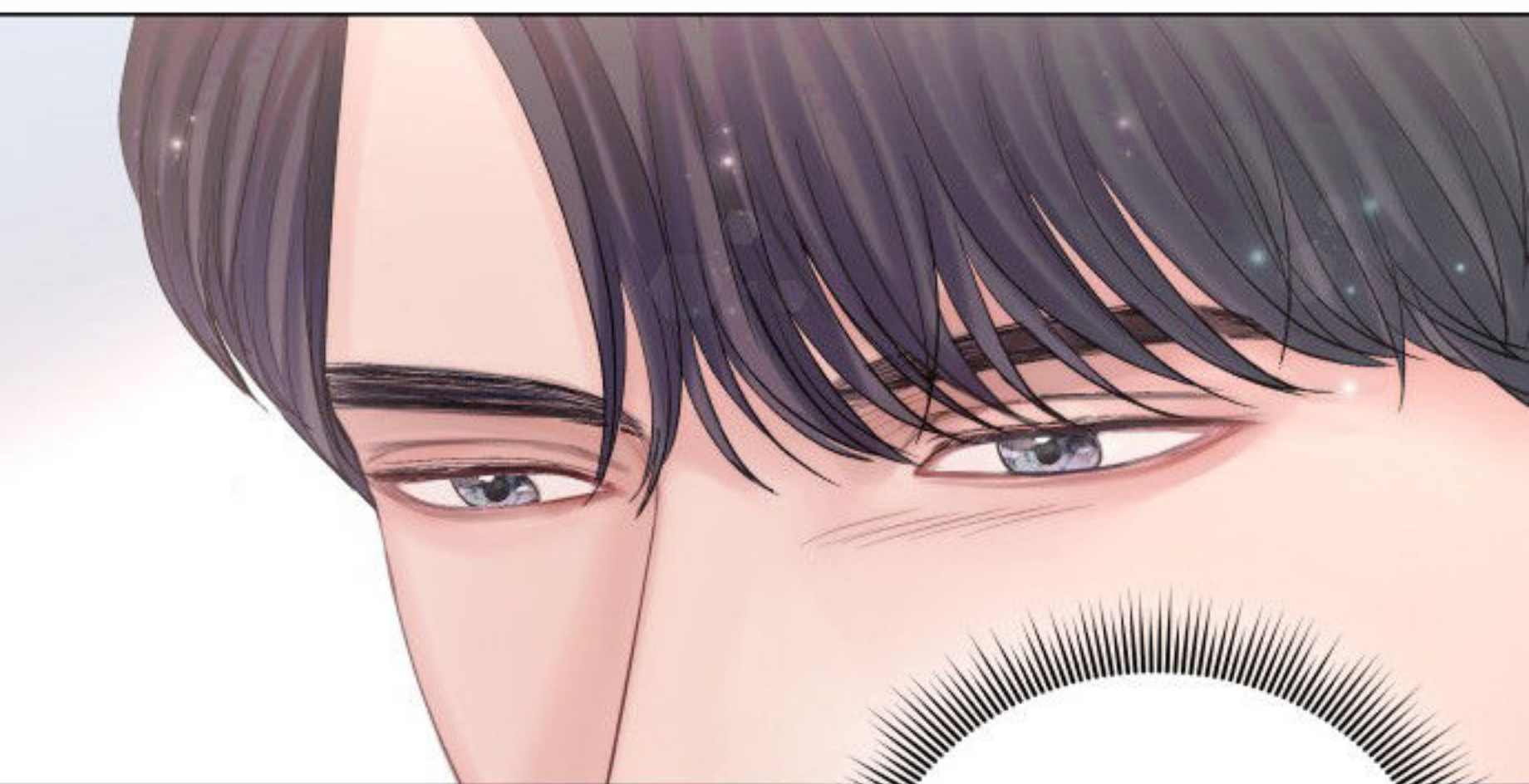
اینجا کار می کنی؟

نه. واسه این
اینجا نیستم.



فقط یون وو رو
رسوندم مدرسه.

?



اون همسره
ساده ایه...

برای همین هیچی
از افکار کثیف و تاریک
اون مردک نمی دونه...

چیزی که سون جه
شاهدشه



و تازه پا هم
توی اتاق هم کار
می کنن.



يٰنى اين شڪلى
يا هم تو اتاق كار،
كار مى كنن؟



يا هم
غذا مى خورن؟

درس مى خونن
يا هم؟



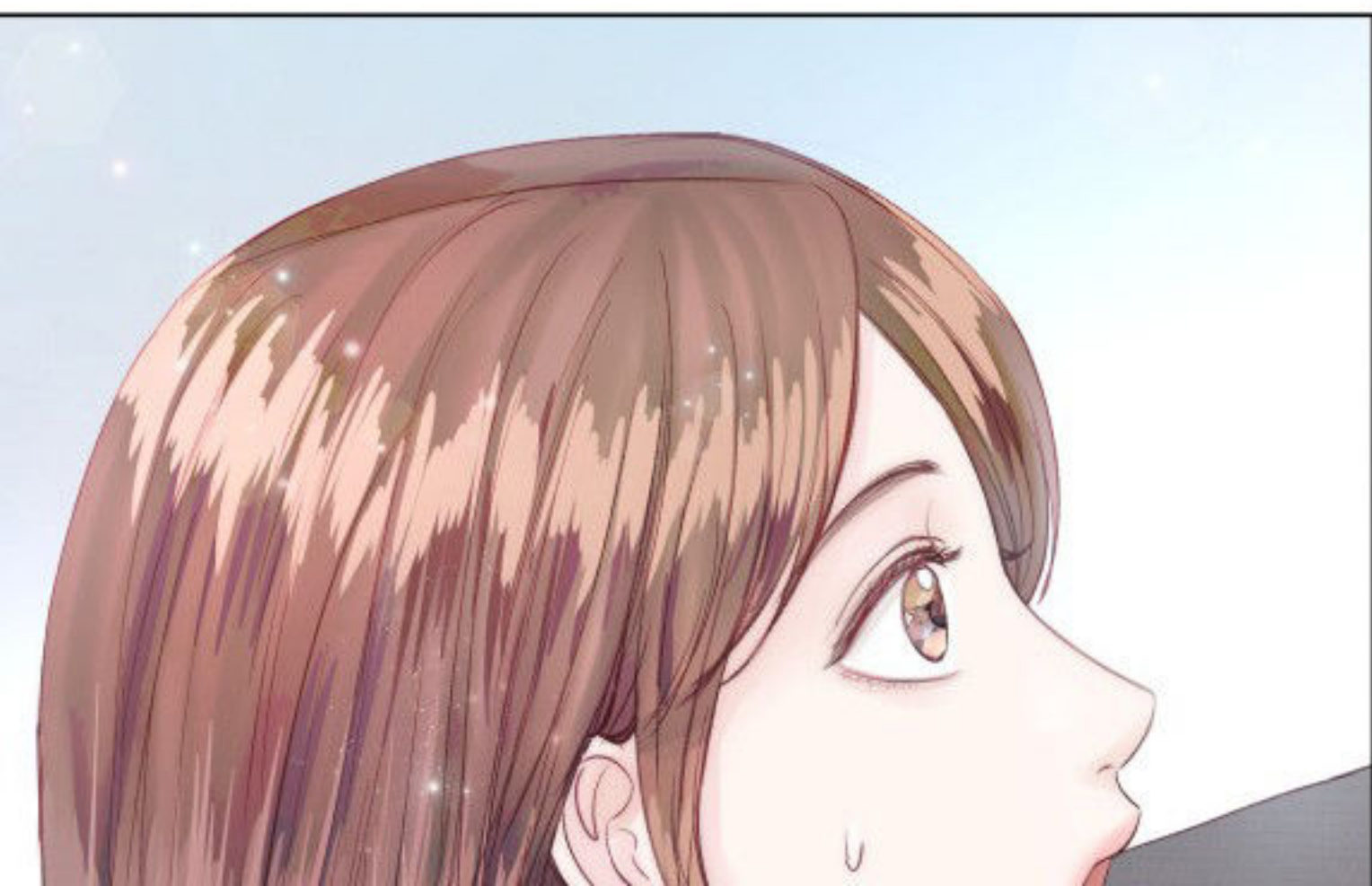


غیر ممکنه!

امروز زود میام خونه.



یون وو هم
زود می ره خونه،
درسته؟





خب... فکر
می کردم دیر قراره
بیای.

برنامه
عوض شدش.

خونه زود می بینمت.

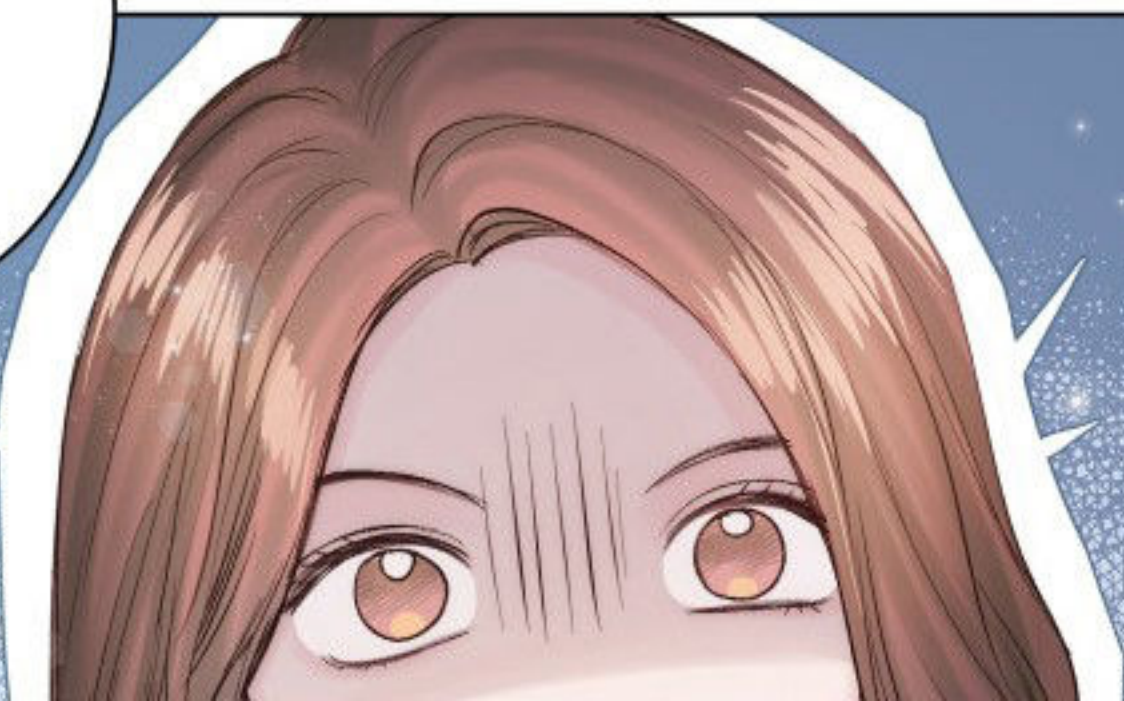




همسر.



من.



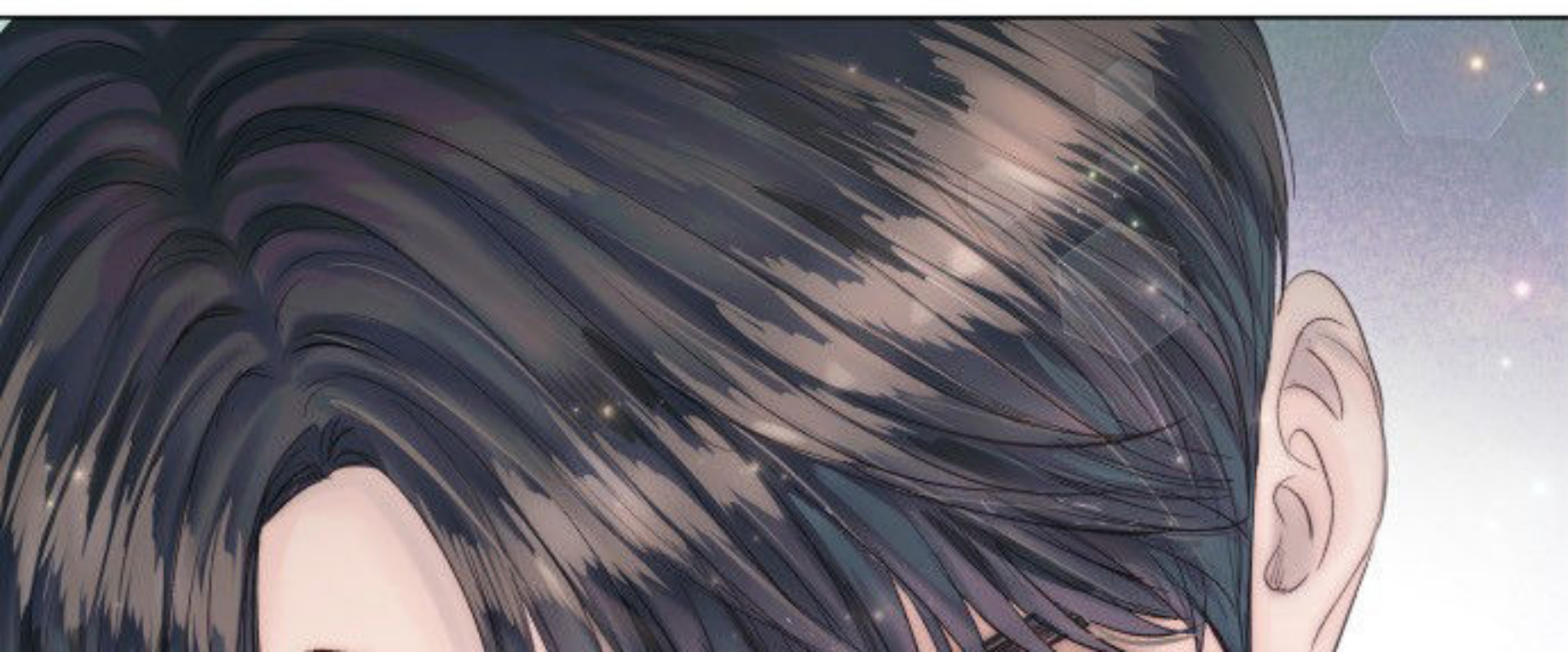


شین ہی چین
یہ پسرہ



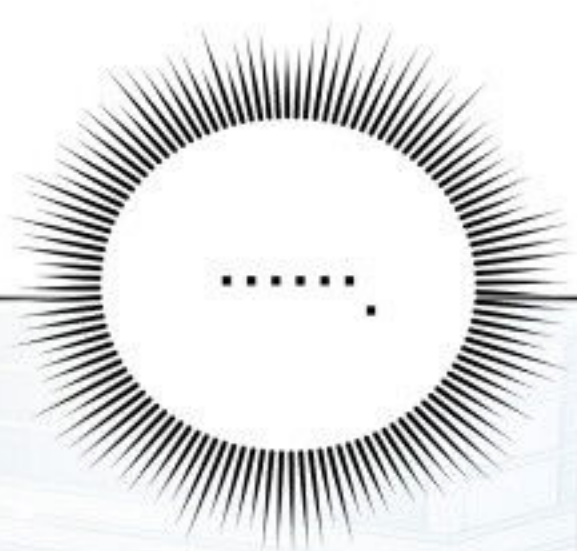


معمولاً با اون مرتیکه
غذای خوره؟





از اون ورش،
ما فقط امروز رو با هم
یه چپی خوردیم.





کلاس می تونه
شامل چند تا پسر
هم بشه.

پوکر: این به رگه ایرانی داره



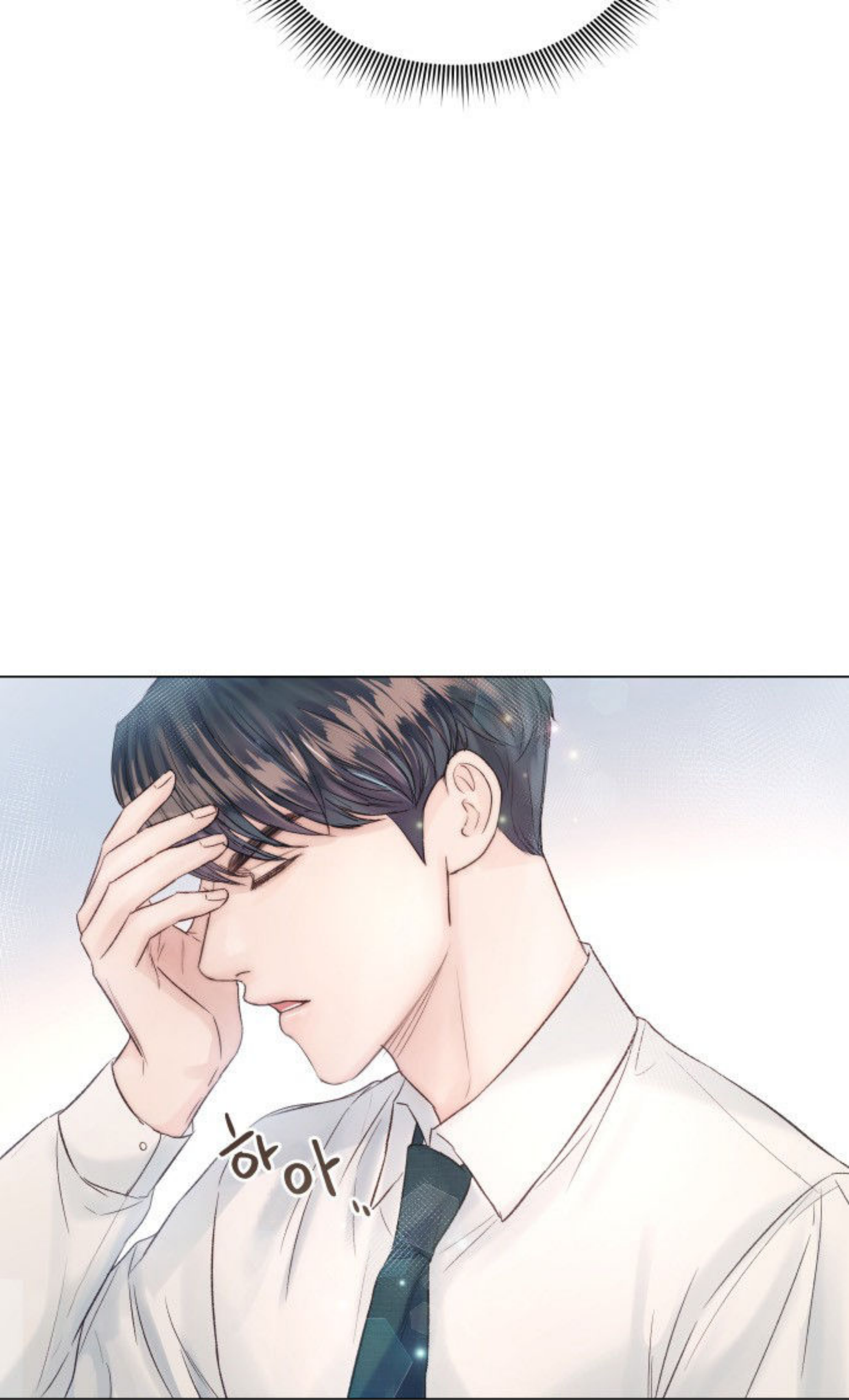
اونو حتی
می تونن پا هم
کار کنن.

مشکل من چیه؟؟

پوکر: رگه ایرانی



نیازی نیست
که من بخوام کاری
کنم.



똑똑

یکی می خواد بینتتون،
جناب مدیر.



سون جه !

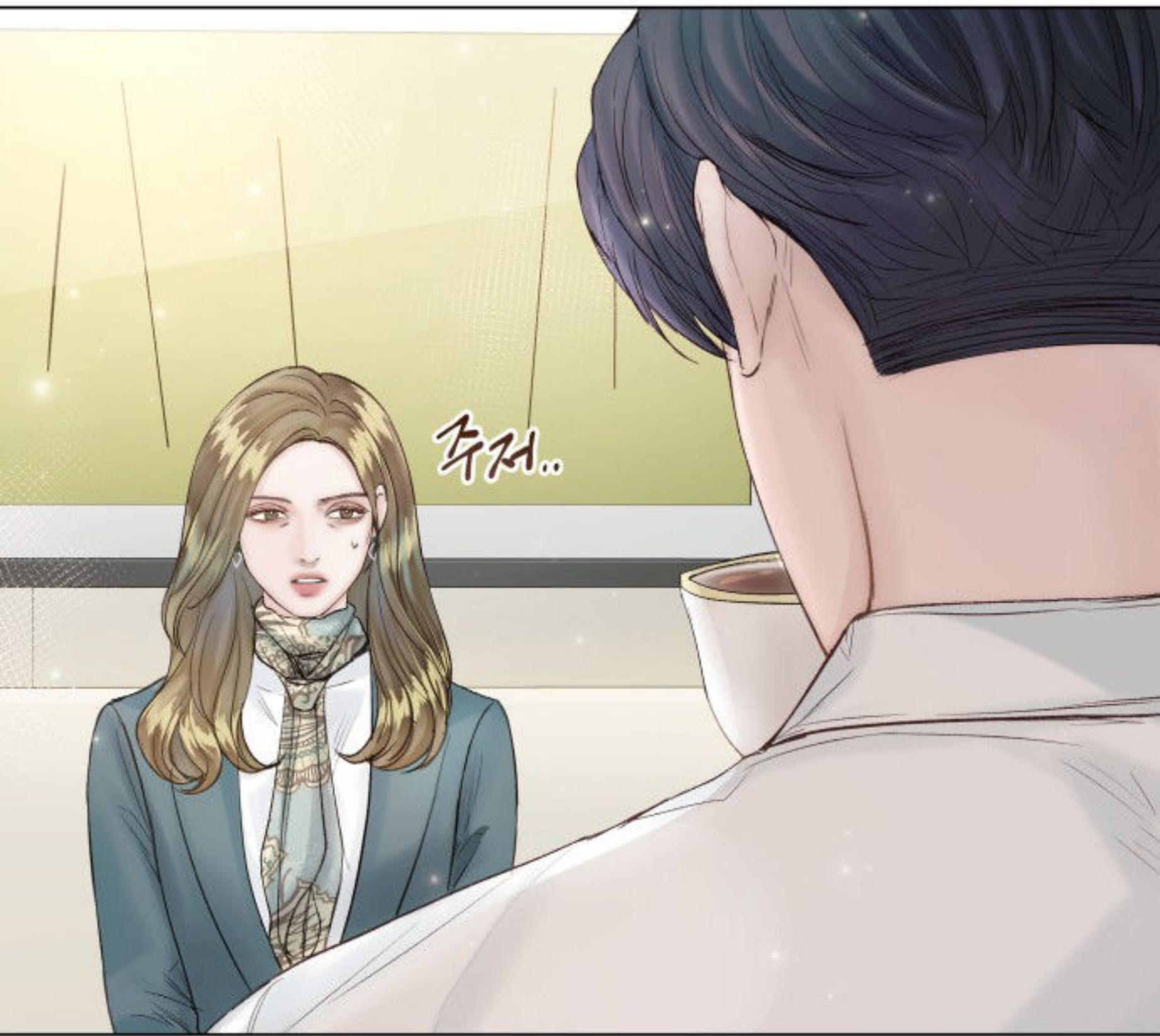


عمه...؟



پوکر: شایدم خاله





اولین پاریه
که اومده دقت‌م.



لاپدیه
موضوعی هست که
می‌خواند درباره‌ش
حرف بزنه.

شاید می‌خواند از
یون وو چند تا راهکار
درباره کوزه سفالی
سبز بگیره؟





این به خونه

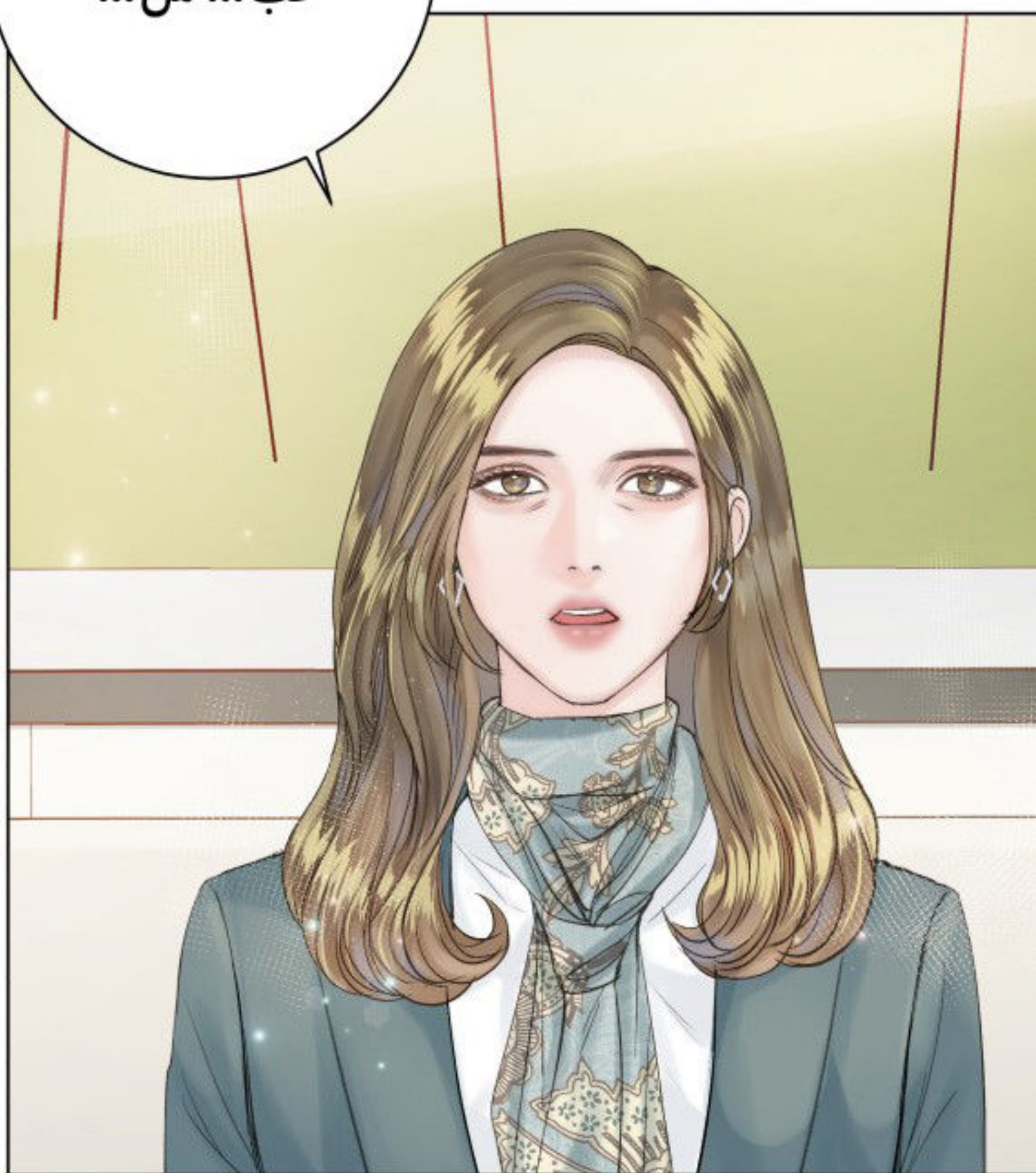
چینه

درست نیستش که
پخواه از یون وو مستقیم
درخواست کنه.

덜컹

پهتره ی واسطه
باشم پراشون.

اممم... سون جه،
خب... من...





푹

어휴..

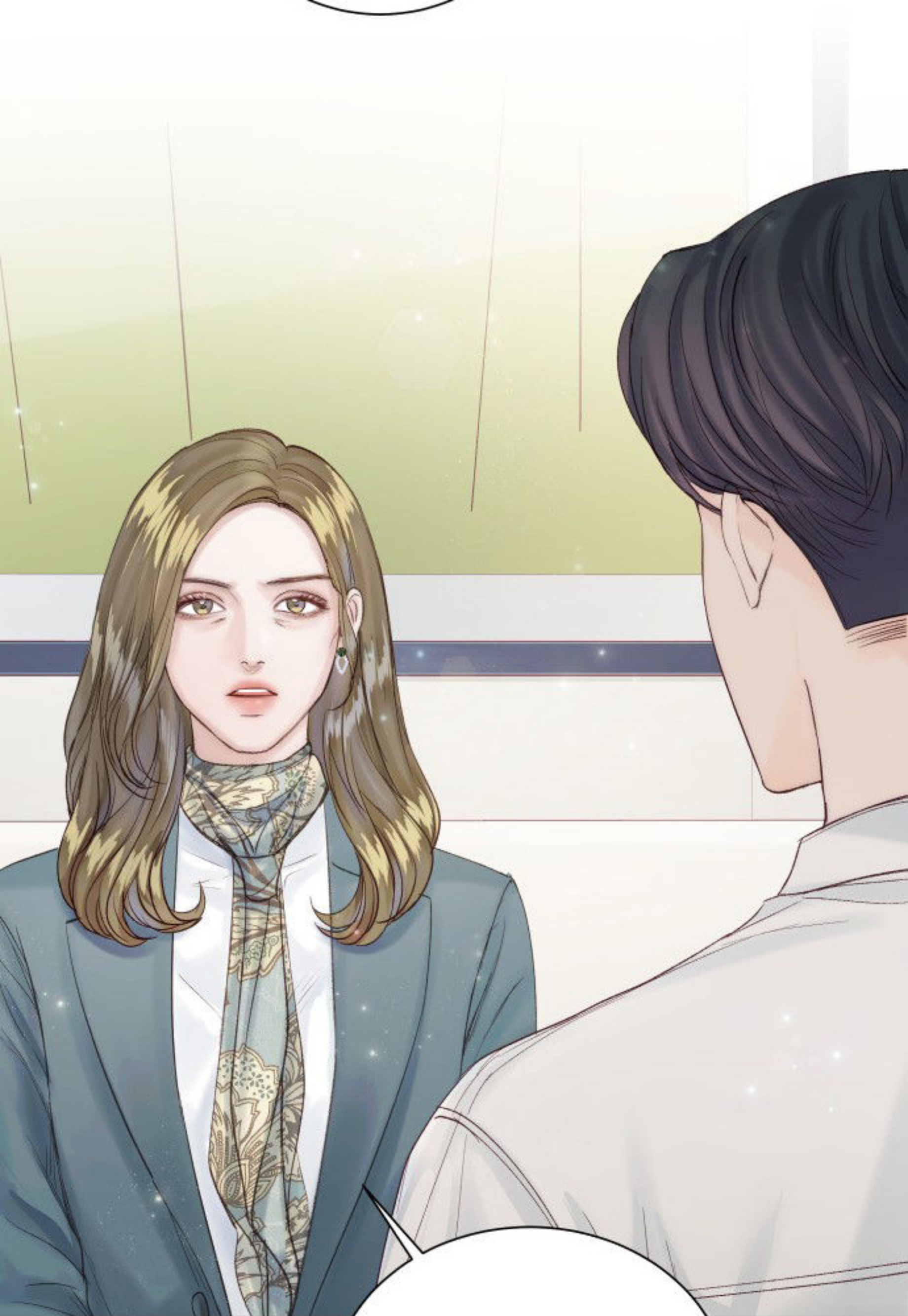
درباره ش شنیدم.

مشکل چیه،

عمہ؟

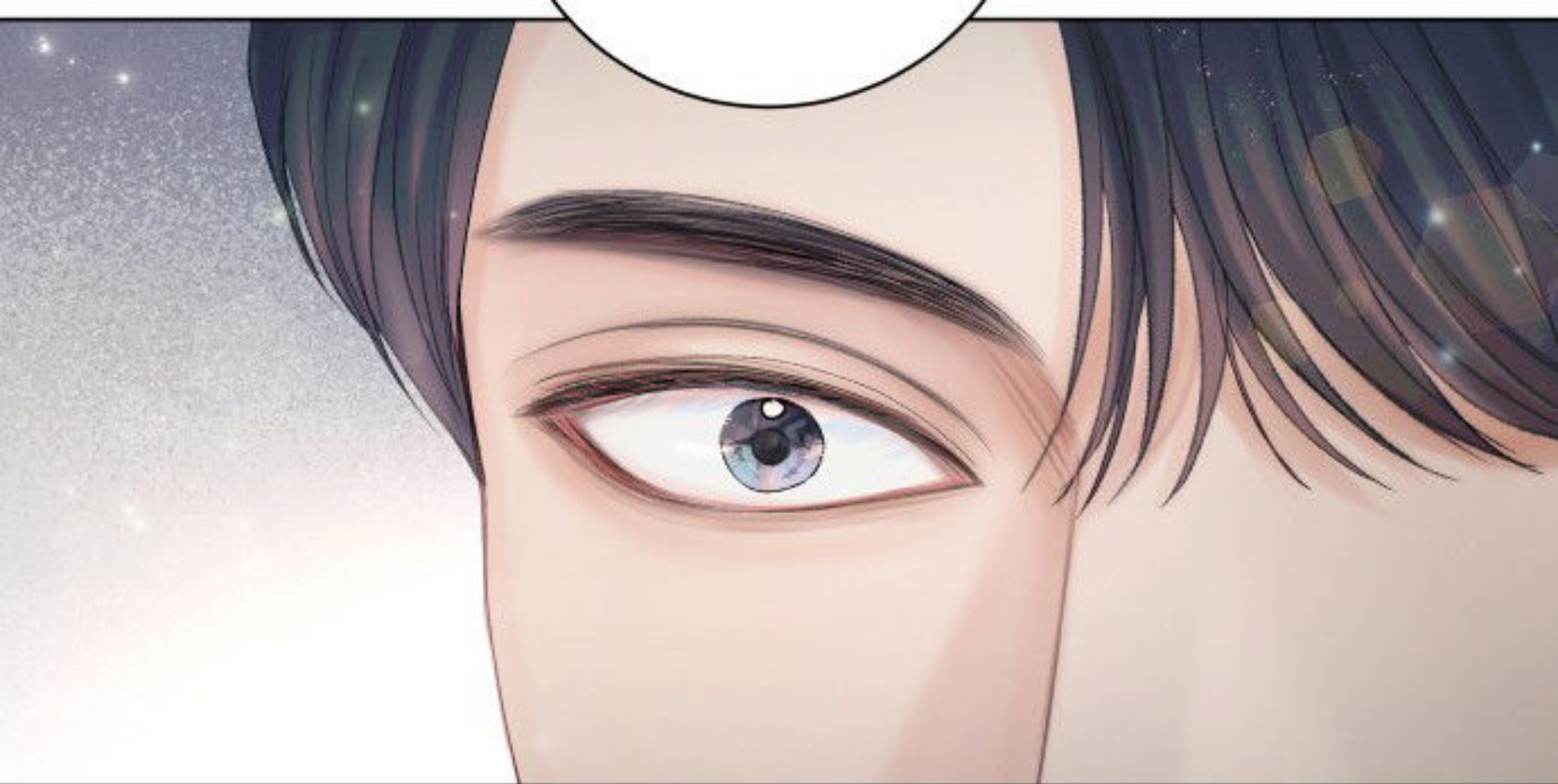


چون نگرانتم
بہت می گم...

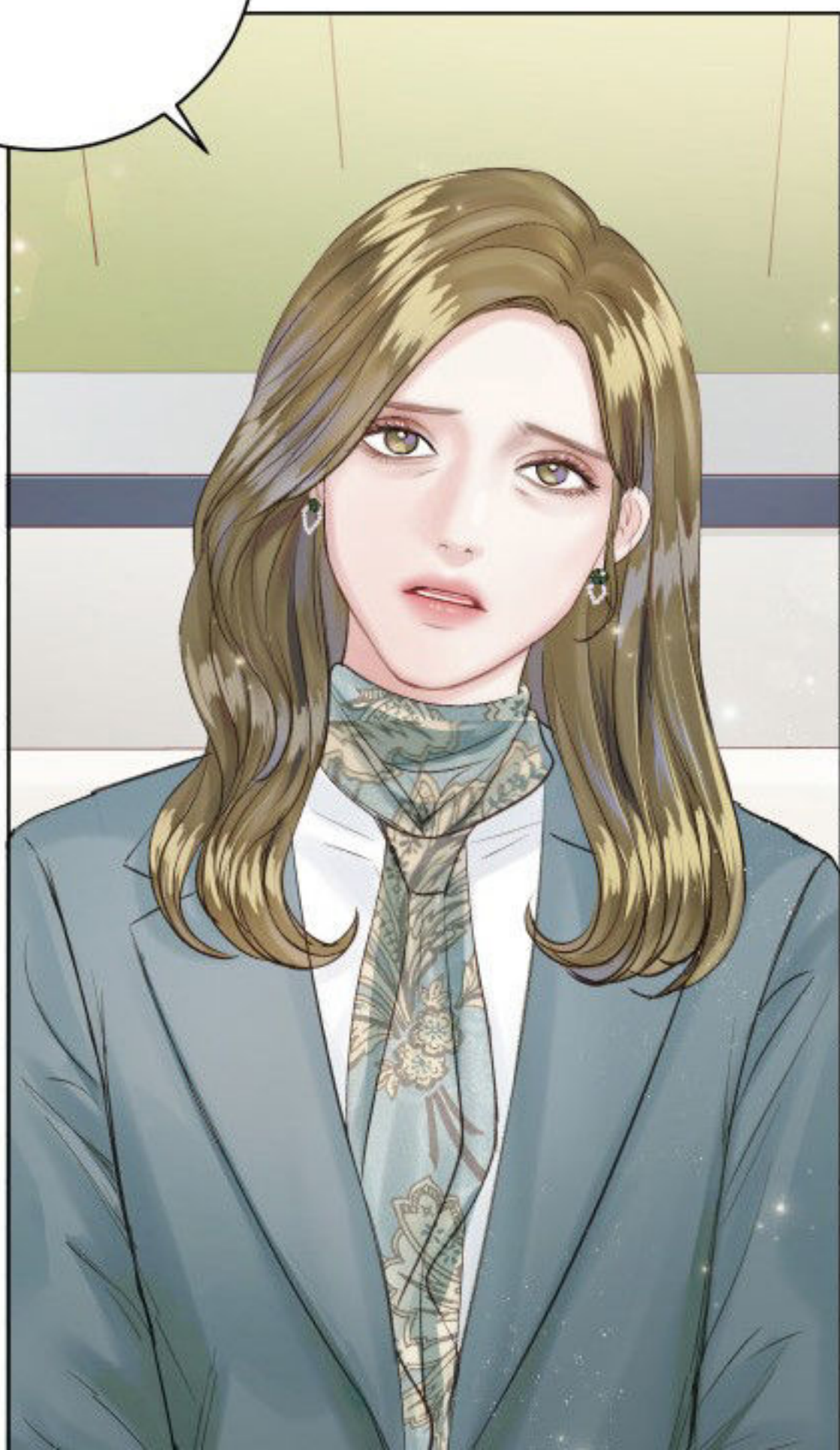


یه حرفایی پیچیده
که می گه زنت...

یه عالمه مشکلات
پیچیده داشته.



می دونستی؟





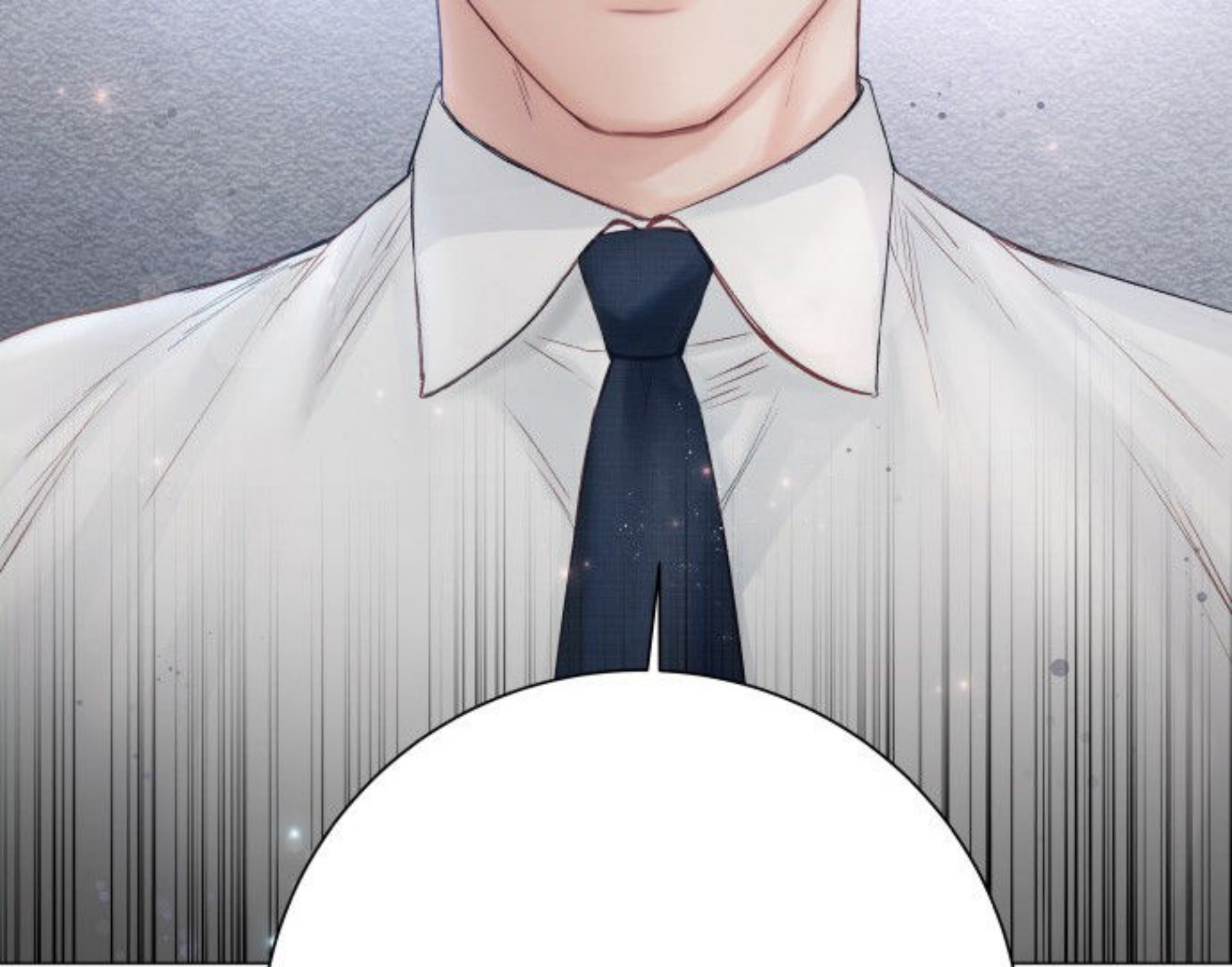
وقتی تو
دییرستان بود واقعاً
داغون بود.



خانم.







از کجا اینا رو شنیدین؟

An illustration of a man and a woman standing behind a light-colored wooden table. The man, on the left, has dark hair and is wearing a dark grey cardigan over a light-colored t-shirt. He is holding a clear glass of water with his right hand. The woman, on the right, has long, wavy brown hair and is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. She is holding a dark grey mug with both hands. A speech bubble is positioned to the right of the woman, containing Persian text.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره